

شرح حال و آثار ژوزف فن هامر پورگشتال

طهمورث ساجدی (استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تهران)

در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، موجی از گرایش‌های علمانی (لایک) در مطالعات شرقی اروپا پدید آمد و رویکرد کشیش‌های خاورشناس رفته‌رفته جای خود را به خاورشناسی علمی داد. به زعم ژول مول^۱ (پولیوس فون مول)، خاورشناس آلمانی (۱۸۰۰-۱۸۷۶)، سه تن از خاورشناسان در این تحوّل سهم عمده داشتند: ویلیام جونز^۲ انگلیسی، سیلوستر دوساسی^۳ فرانسوی و ژوزف فن هامر پورگشتال^۴ اتریشی.

(→ Mohl 1880, t. 2, p. 137)

هامر در ۹ ژوئن ۱۷۷۴، در گراتس^۵ به دنیا آمد و در ۲۴ نوامبر ۱۸۵۶، در وضع جسمانی و روحی توجه‌برانگیزی که دختر او وصف کرده (← مستخرج نامه او در همین شماره، ص ۱۴۷-۱۴۸) در وین جان سپرد. پدر هامر مدیر املاک سلطنتی و مشاور ایالتی بود. خود او دیری نگذشت که به حرفه مترجمی علاقه نشان داد و در سال ۱۷۸۷، سال انقلاب کبیر فرانسه، وارد مدرسه جوانان مترجم^۶ وین شد، که متعاقباً با عنوان آکادمی شرقی^۷ کسب شهرت کرد، و به تحصیل زبان‌های ترکی، عربی و فارسی پرداخت. در این مدرسه

1) Jules Mohl

2) William Jones

3) Silvestre de Sacy

4) Joseph von Hammer-Purqstall

5) Gratz، شهری صنعتی در جنوب شرقی اتریش، کرسی ایالت استیریا (اشتریمارک)

6) Ecole des Jeunes de Langues

7) Académie orientale

افرادی برای روابط تجاری و سیاسی اتریش با باب عالی (عثمانی) تربیت می‌شدند. هامر، در هفده سالگی، به زبان ترکی، با سفیر عثمانی در وین به گفتگو می‌نشست. نخستین کار علمی نظرگیر او همکاری در چاپ جدید فرهنگ عربی، ترکی و فارسی مینیسکی^۸ و نخستین همکاری او با بخش شرقی وزارت امور خارجه به سمت منشی مخصوص گزارشگران بود. وی در سال ۱۷۹۹، به عنوان مترجم اسقف اعزامی دولت اتریش به قسطنطنیه انتخاب شد. سال بعد، به دستور دولت، به کشورهای شمال آفریقا سپس به سوریه و مصر مأمور گشت تا وضع مدیریت کنسولگری‌های کشور خود در این مناطق را گزارش کند.

در این ایام، ناپلئون به مصر لشکرکشی کرده بود و انگلیس و عثمانی با او در حال جنگ بودند. هامر، به محض ورود به مصر در ۱۸۰۱، به عنوان مترجم فرماندهان نظامی انگلیسی و ترک به همکاری پرداخت. وی در یافا (بندر عمده فلسطین در ساحل دریای مدیترانه) و عکا (دریا بندر در ساحل خلیج عکا) و سپس اسکندریه، مناطق اشغالی به دست فرانسوی‌ها، حضور یافت و شاهد شکست آنها و به اسارت گرفته شدن سربازان فرانسوی شد ("Purgstall", *Biog. Mich.*, p. 552). وی، پس از سفری کوتاه به مالت و جبل الطارق، به انگلستان رفت و در سال ۱۸۰۲ به کشورش بازگشت. او اشیای عتیقه و نسخ خطی شرقی به‌ویژه فارسی گردآوری شده در مصر را قبلاً به وین فرستاده بود. وی، بار دیگر، در معیت سفیر اتریش، به قسطنطنیه عزیمت کرد.

هامر، در سال ۱۸۰۷ ازدواج کرد و ظاهراً، در همین ایام، در نوشته‌ای بدون امضای خود، خواستار جنگ مقدس علیه ناپلئون شد (*Ibid.*) در سال ۱۸۱۰، با عنوان مشاور هیئتی که ماری لوئیز، دختر امپراتور اتریش، را به پاریس آورد تا به ازدواج ناپلئون درآید، به این شهر آمد و با دوساسی، آمده ژویر^{۱۰} (مستشرق فرانسوی، ۱۷۷۹-۱۸۴۷) و آنتوان لئونارد دوشیزی^{۱۱} (مستشرق فرانسوی، ۱۷۷۳-۱۸۳۲) روابط دوستی برقرار کرد. به هنگام اشغال وین در ۱۸۰۹، به فرمان ناپلئون، نسخ خطی به‌ویژه شرقی و کتب نفیس از جمله نسخه‌های خطی که هامر از مصر فرستاده بود جمع‌آوری و به پاریس ارسال شد. در عوض، هامر نیز، در مأموریت رسمی سال ۱۸۱۵ (پس از سقوط ناپلئون) به

8) MENINSKI, *Dictionnaire turc, persan et arabe*

9) Marie-Louise

10) Amédeé JAUBERT

11) Antoine-Léonard de Chézy

پاریس و از طریق روابطی که در آن شهر برقرار کرده بود، موفق شد این گنجینه را به کشور خود بازگرداند (*Ibid*). در این ایام، ماری لوئیز ناپلئون را به سرنوشت خود رها کرد و حتی حاضر شد از پسرش جدا بماند. شرح زندگی این پسر، که به ناپلئون دوم شهرت یافت، در درام تاریخی بچه عقاب^{۱۲}، اثر شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی، ادمون ژبستان^{۱۳} (۱۸۶۸-۱۹۱۸)، بازتاب یافت.

در سال ۱۸۱۶، هامر مترجم رسمی دربار شد و در سال بعد عنوان مشاور درباری یافت. میرزا ابوالحسن خان ایلچی (میرزا ابوالحسن شیرازی)، که از سال ۱۸۰۹ در دربارهای اروپا تردد می‌کرد و حامل نامه‌هایی از جانب فتحعلی شاه برای رؤسای دولت اروپایی بود، در این ایام، در اروپا چهره‌ای شناخته‌شده به شمار می‌رفت. وی، در ۵ فوریه ۱۸۱۹، برای مأموریتی که در آن زمان سرری خوانده شد، به نزد مترینخ، صدراعظم اتریش، رفت و سپس به دیدار امپراتور نایل گشت. در هر دو مورد، هامر به عنوان مترجم حضور داشت (*Abul-Haḡan Khan*, *Ibid*, p. 82). متعاقباً معلوم شد که این مأموریت به درخواست عباس میرزا نایب‌السلطنه و برای خرید اسلحه پیشرفته اتریشی بوده و، چون دو قدرت مخوف عصر، انگلستان و روسیه، در صدد ممانعت بودند (← نفیسی، ج ۱، ص ۱۵۲؛ ج ۲، ص ۳۳۱)، ابوالحسن خان، با ترفند و احتمالاً دستیاری هامر، توانست به دیدار مترینخ نایل شود.

ظاهراً ابوالحسن خان از روی برنامه و با هدایای نظرگیزی به وین رفته بود. نسخه‌ای از شهنشاه‌نامه، تألیف فتحعلی خان صبا در سی و سه هزار بیت درباره رویدادهای عصر فتحعلی شاه، از جمله هدایا بود. فتحعلی شاه که تعریف و تمجید بسیاری از هامر را شنیده بود نشان شیر و خورشید به همراه لوح تقدیر برایش فرستاده بود، که خبر آن در اروپای آن روز پیچیده بود. (*Style des orientaux*, *Revue encyclopédique*, p. 636) (→)

ظاهر امر نشان می‌دهد که هامر فتحعلی شاه را فردی ادیب می‌دانست؛ چون، در پاسخ به الطاف او، اندیشه‌های مارک اورل^{۱۴}، امپراتور فیلسوف مآب روم در قرن دوم میلادی، را ترجمه و نسخه‌ای از آن را به فتحعلی شاه اهدا می‌کند که باز مورد تقدیر قرار می‌گیرد (*Purgstall*, *Biog. Mich.*, p. 555). فتحعلی شاه انگیزه‌های لازم را برای تمجید از

12) *L'Aiglon* (1900)

13) Edmond ROSTAND

14) *Les pensées de Marc Aurèle* (Vienne 1831)

هامر داشت به‌ویژه آنکه وی، با ترجمه منظوم دیوان حافظ (۳ جلد، ۱۸۱۳) به زبان آلمانی (Mohl 1880, t. 2, p. 135) و نیز تاریخ ادبی ایران^{۱۵} (۱۸۱۸)، ترجمه و تألیفی از تذکره الشعراى دولت‌شاه سمرقندی، اشتهاى زیادى در دربارهاى اروپا و دربار ایران کسب کرده بود. نکته جالب آنکه ابوالحسن خان، در سفرهاى اروپائى خود، بیرقى و پرده‌اى به همراه داشت که بر روی هریک از آنها قطعه شعری گماشته شده بود و گوته هر دوی آنها را در دیوان غربى - شرقى (۱۸۱۹) خود آورده بود. (نفسى، ج ۲، ص ۳۸۹)

هامر با اشتیاق تمام به ترجمه و تدوین تاریخ و ادبیات کشورهای مهم شرقى می‌پرداخت و برای همه آثارش از نسخ خطى منتشر نشده استفاده می‌کرد و این اشتیاق باعث شده بود که از دقت کارهايش کاسته شود و به‌ویژه برای ترجمه اطواق الذهب^{۱۶} زمخشرى از عربى به آلمانى (۱۸۳۵) آماج انتقاد حریفان گردد. اما، در کنار این حریفان، او ستایشگران و دوستانى نیز همچون هردر^{۱۷} ویلنت^{۱۸} و گوته داشته است. او، به تقلید از اوپرون^{۱۹} (۱۷۸۰)، اثر منظوم دوستش ویلنت، که منظومه‌اى نیمه شرقى است، شیرین، منظومه تقلیدى از زبان فارسى^{۲۰} (۲ جلد، ۱۸۰۹)، مربوط به روابط عاشقانه خسرو پرویز و شیرین یا ایرن^{۲۱}، شاهزاده خانم مسیحى، را منتشر می‌کند. ("Purgstall", *Biog. Mich.*, p. 554) سمّت مترجمى، که چندان پُر مشغله نبود، فرصت لازم را به او مى‌داد تا بى هیچ دغدغه‌اى به مطالعات دامنه‌دارش ادامه دهد. ضمناً از دواجش باعث شده بود که از جانب همسرش صاحب اموال خانواده پورگشتال شود و خود نیز به مرتبه بارونى برسد و از سال ۱۸۳۹ آثارش را با امضای بارون فن هامرگشتال منتشر کند. او، در همین سال، از سمّت مترجمى دربار استعفا داد و در سال ۱۸۴۷ موقّق شد، با حمایت میترنیخ، آکادمى علوم وین را بنیان نهاد و خود نیز به عنوان نخستین رئیس آن انتخاب شود. اما، در سال ۱۸۴۹، از این مقام هم استعفا داد و فقط عنوان افتخارى مشاور دولتى در موارد استثنائى را حفظ کرد.

15) *Histoire des belles-lettres en Perse*16) *Les Colliers d'or*

17) Herder. یوهان گو تفرید فون هردر (۱۸۰۳-۱۷۴۴)، فیلسوف و شاعر و منتقد آلمانى و از رهبران جنبش

ادبى «طوفان و طغیان» *Sturm und Drang*

18) Wieland

19) *Oberon*20) *Shirin, Poème imité du persan*21) *Irène*

هرگز دیده نشد که خاورشناسی بتواند به اندازهٔ او آثاری در هر سه زبان زندهٔ شرقی پدید آورد. سوای این سه زبان، او به زبان‌های اروپایی به‌ویژه فرانسه تسلط داشت. نمونه‌های آثار او را در این زبان می‌توان در مجلهٔ آسیائی (*Journal asiatique*) مشاهده کرد، که او از آغاز تأسیس آن در سال ۱۸۲۳ با آن همکاری می‌کرد. پیش از همکاری با این مجله، هامر با ذکاوت تمام و با همکاری و سرمایهٔ دوست لهستانی خود، گنت و نیسلساس ژووسکی^{۲۲}، که مقیم اتریش بود، در سال ۱۸۰۹، نخستین مجلهٔ چندزبانهٔ اروپا را با عنوان خزاین مشرق‌زمین^{۲۳} در وین تأسیس کرد و از خاورشناسان اروپایی، به‌ویژه فرانسوی، در ازاء اهدای یک نسخه از مجله، خواستار همکاری شد. این نشریهٔ وزین - که متون شرقی را نیز چاپ می‌کرد و آن خود بدعتی در مطالعات شرقی بود - تا سال ۱۸۱۸، که جلد ششم و آخرین آن منتشر شد، دایر بود. سپس، به دلایلی نامعلوم، تعطیل شد. دربارهٔ اهمیت و جایگاه این مجله همین‌قدر گفته شود که دوساسی، علاوه بر آنکه همکاری مطلوبی با آن داشت، کل مطالب هر شماره را ابتدا در مغزن دایرة‌المعارفی^{۲۴} و سپس در نامهٔ دانشوران^{۲۵} نقد و بررسی کرد.

هامر، در رابطه با فرهنگ و تمدن ایران، آثار دیگری نیز دارد مثل جعفر یا سقوط برمکیان، وزیران خلیفه هارون^{۲۶} (۱۸۱۳)، که درام تاریخی است؛ گلشن راز محمود شبستری^{۲۷}، متن فارسی و ترجمهٔ آلمانی (۱۸۳۸)، که اشعاری تعلیم و تربیتی و مربوط به عرفان فارسی است؛ ایهاالولدا (ای فرزندی)، رسالهٔ اخلاقی^{۲۸} (۱۸۳۸)، از غزالی؛ تاریخ ایلمخانیان یا مغول‌های ایران^{۲۹} (۲ جلد، ۱۸۴۲-۱۸۴۳)، و تاریخ و صاف^{۳۰} (۱۸۵۶)، متن فارسی و ترجمهٔ آلمانی. بعضی از مورخان و خاورشناسان و صاف را هم‌طراز بوسوئه^{۳۱}

22) Comte Venceslas Rzewuski

23) *Fundgruben des Orients (Les Mines de l'orient)*

24) *Magasin Encyclopédique* (1811, t. 1; 1812, t. 1)

25) *Journal des Savants* (1816 et 1818)

26) *Djafar ou la Chute des Barmécides vizirs du calife Haroun*

27) *Parterre de roses des secrets de Mahmoud-Schehbistari* (sic)

28) *O enfant! traité de morale*

29) *Histoire des Ilkhans ou des Mongols de Perse*

30) *Histoire de Wassaf le Persan*

(۳) BOSSUET (۱۶۲۷-۱۷۰۳)، خطیب و نویسندهٔ مشهور فرانسوی

و بعضی دیگر همپایه گزنفون^{۳۲} می‌دانند: اما و صاف، در اروپا، با کارهای تحقیقاتی هامر شناخته شد.

آثار هامر، از ترجمه و تألیف، بر پایه نسخ خطی و بیشتر مربوط به فرهنگ و تمدن ترک‌ها و عرب‌هاست.

او به آثار حاجی خلیفه توجه عجیبی نشان داد و اغلب آنها از جمله جهان‌نما (به زبان ترکی در جغرافیا) را به آلمانی ترجمه کرد. از تألیفات اوست: تاریخ امپراتوری عثمانی^{۳۳} (۱۸۲۷-۱۸۳۳) شامل حوادث سال‌های ۱۳۰۰-۱۷۳۵ که چاپ تجدید نظر شده‌ای از آن (۵ جلد، ۱۸۳۲-۱۸۳۶) به فرانسه وجود دارد و دوساسی آن را در چند شماره نامه دانشوران نقد و بررسی کرده است؛ تاریخ شعر عثمانی^{۳۴} (۴ جلد، ۱۸۳۶-۱۸۳۹)؛ تاریخ خان‌های کریمه^{۳۵} (۱۸۵۶). هامر، به موازات مطالعات ترکی، مطالعات زیر را نیز انجام داد: درباره اصل و منشأ روس‌ها^{۳۶} (۱۸۲۵) بر اساس روایات ابن فضلان و دیگر مورخان عرب؛ تاریخ اردوی زرین در قباچاق، یا مغول‌ها در روسیه^{۳۷} (۲ جلد، ۱۸۴۲-۱۸۴۳). در پی این مطالعات مغولی بود که توجه او به مغول‌های ایران و منابع مربوط به آنها به ویژه تاریخ و صاف جلب شد.

فرهنگ و تمدن عربی نیز در مجموعه آثار هامر جایگاه شایسته دارد. از جمله این آثار است: تاریخ ادبیات عرب^{۳۸} (۷ جلد، ۱۸۵۰-۱۸۵۷) او، که تا قرن هفتم هجری را در بردارد، و، به قول ژول مول (Mohl 1880, t. 2, pp. 135-136)، هامر طرح جدید و وسیع تری برای آن پیشنهاد کرده بود، نیز مبنای ارزشمندی برای تاریخ نوشته‌های عربی کارل بروکلمان^{۳۹} شد؛ درباره کلمات عربی در زبان اسپانیایی^{۴۰} (۱۸۵۴)، از نخستین آثاری که توجه خاورشناسان را از همان ایام به ریشه‌شناسی لغات شرقی دخیل در زبان‌های

۳۲) Xénophon (حدود ۴۲۸ یا ۴۲۷ - حدود ۳۵۴ ق م)، مورخ و نویسنده و سردار یونانی

33) *Histoire de l'empire ottoman*

34) *Histoire de la poésie ottomane*

35) *Histoire des Khans de Crimée*

36) *Sur les origines russes*

37) *Histoire de la horde d'or, dans le Kiptchak, ou des Mongols en Russie*

38) *Histoire de la littérature arabe*

39) Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Literatur*

40) *Sur Les mots arabes dans la langue espagnole*

اروپایی معطوف داشت. از آثار دیگر اوست: قصه‌های منتشر نشده هزارویک‌شب^{۴۱}. (۳ جلد، ۱۸۲۷)، برگرفته از اصل عربی آن، به همراه ترجمۀ فرانسوی آن در سه جلد، و چکیده‌های آثار دایرة‌المعارفی عرب‌ها، ایرانی‌ها و ترک‌ها^{۴۲} (۱۸۵۸).

بعضی از موضوعات قرون وسطایی کنجکاوی‌های هامر را به خود جلب کردند و در نتیجه شور و شوقِ معرفتی آنها بر اصول علمی فائق آمد و او را در تنگنا قرار داد.

الفبای قدیمی و خطوط هیروگلیف از ابن‌وحشیه^{۴۳} (۱۸۰۶)، که هامر آن را بر اساس یک نسخه خطی منسوب به این‌کیمیادان عراقی قرن سوم هجری به انگلیسی ترجمه و در لندن به چاپ رساند، موجب سر و صدای زیادی شد و دوساسی، (*Magasin Encyclopédique* (1810) ۱.6, pp. 145-175) در نقدی مفصل آن را برای مطالعات هیروگلیفی کم‌اهمیت ارزیابی کرد.

رساله هامر در باب اسرار مکشوفه بافومه^{۴۴} (۱۸۱۸)، که مربوط به پرستشگاهیان یا شهبسواران پرستشگاه^{۴۵} در دوره جنگ‌های صلیبی است با مخالفت‌هایی در فرانسه روبه‌رو شد؛ لیکن وی متعاقباً با تحقیق علمی بیشتری رساله درباره محکومیت شهبسواران پرستشگاه^{۴۶} (۱۸۵۸) را منتشر کرد که طرف توجه جمعیت‌های سری قرار گرفت. تاریخ حشیشیه^{۴۷} (۱۸۱۸) هامر نیز مورد توجه دوساسی قرار گرفت که تحقیقاتی در جهت آراء او منتشر کرد و، در آن، واژه فرانسۀ *assassin* «آدم‌کش» را مأخوذ از حشاشین دانست.

(→ Sacy 1818 a; *Idem* 1818 b)

چنان‌که ملاحظه شد، دستاورد هامر بسیار غنی و پرمایه بود. اگر او در ظرایف زبان‌های شرقی چندان درنگ و تأمل نمی‌کرد از این رو بود که برای انتشار آثار خود دچار تب شتاب‌زدگی بود. به قول ژول مول، اقامت طولانی در مشرق‌زمین و شوق معرفتی آثار مکتوب آن کیفیت کار تحقیقی او را تحت تأثیر قرار داده بود.

هامر در مجالسی که مترنخ تشکیل می‌داد غالباً حضور داشت و بیشتر می‌کوشید تا

41) *Contes inédits des Mille et Une Nuits*, avec trad. fran. de Trébutien

42) *Extraits des ouvrages encyclopédiques des Arabes, des Persans et des Turcs*

43) *Ancient alphabets and hieroglyphic characters, ... ibn Waschühiah* (sic) (Compte-rendu).

44) *Mysterium Baphometis revelatum*

45) *Templiers*، دژ تاریخ قرون وسطا، فرقه‌ای نظامی-دینی که طی جنگ‌های صلیبی به وجود آمد و به اسامی شهبسواران فقیر مسیح و شهبسواران پرستشگاه سلیمان نیز خوانده شد.

46) *Sur la culpabilité des Templiers*

47) *Histoire des Assassins*

سخن از شرق باشد. در سال ۱۸۳۵، بالزاک برای دیدار محبوبه‌اش، هانسکا^{۴۸} - که عمویش، ژووسکی، از دوستان نزدیک هامر بود - به وین می‌رود و مدت سه هفته در نزد او اقامت می‌کند. هانسکا موجبات آشنائی او را با هامر فراهم می‌کند.

در سال ۱۸۳۵، هامر به عنوان عضو خارجی فرهنگستان کتیبه‌ها و ادبیات فرانسه^{۴۹} انتخاب می‌شود و از این رو، درگذشت او در اوج شهرت بازنتاب وسیعی در محافل خاورشناسی فرانسه پیدا می‌کند (گزارش آکادمی^{۵۰}). او، در جهان مسیحی عصر خویش اسلام‌دوست راسخی باقی ماند و این معنی را می‌توان در آثار او به سه زبان فارسی، ترکی و عربی به‌عیان دید. اثر او به دو زبان عربی و آلمانی با عنوان اوقات نماز^{۵۱} (۱۸۴۴)، که ظاهراً پس از درگذشت یکی از نزدیکانش به نثر مسجع نوشته، اعجاب و احترام ژول مول را برانگیخت. (Molil 1879, t. 1, p. 173) →

هامر در اواخر عمر و به رسم مسلمانان، قبر خود را بنا کرد و، پس از درگذشت او، نوشته‌هایی به سه زبان فارسی، ترکی و عربی بر دو لوح قبرش نقر شد (نیکبین: ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۲۰ و ۱۲۲۲) که دو مصرع از دو بیت فارسی آن چنین است:

در اقصای عالم بگشتم بسی

به سر بردم ایام با هر کسی

آیات قرآنی نیز در کتیبه آرامگاهش نقر شده که ظاهراً خواست خود او بوده و نمودار علاقه او به معانی قرآنی و اسلامی است.

شادروان احمد آرام، در سال ۱۳۳۹ خورشیدی، از مدفن او بازدید کرد. شرح حالی از این دیدار در مجله یغما (سال ۱۳۳۹، ج ۱۳، ص ۱۹۱) منتشر شده است.

منابع

نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، چاپ دهم، انتشارات بنیاد، تهران ۱۳۷۶.
نیکبین، نصرالله (۱۳۷۹)، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور، آرون، تهران.

"Abul-Haçan-Khan", A.-T., *Biographie Michaud*, 1870, pp. 81-83.

48) Mme Eveline Hanska

49) Académie des Inscriptions et Belles-Lettres

50) *Comptes rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 1858, t. 2, pp. 411-414.

51) *Rendez-vous de la prière*.

Mohl, Jules (1879-1880), *Vingt-Sept ans d'histoire des études Orientales*, 2 vols., Paris.

"Purgstall", R-L-N., *Biographie Michaud*, 1873, pp. 552-557.

Sacy, Silvestre de (1818 a), "Mémoire sur la dynastie des Assassins et sur L'étimologie de leur nom", *Mémoires de L'Institut*, t. 4, pp. 1-85.

— (1818 b), "Histoire des Assassins de Hammer", *Journal des Savants*, pp. 412-416.

"Style des orientaux", *Revue encyclopédique*, t.11 (1821), p. 636.

